



روابط چین و پاکستان و تاثیر آن بر غرب آسیا با تاکید بر ایران

فاطمه مرادی^۱، داوود کیانی^۲، کیهان برزگر^۳

چکیده:

پاکستان به عنوان شریک راهبردی چین، در تقابل با هند که رقیب منطقه‌ای چین و چالش امنیتی پاکستان است، باعث شکل‌گیری اتحادی استراتژیک در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی و نظامی شده که تأثیرات عمیقی بر غرب آسیا و ایران دارد. این مقاله با بهره‌گیری از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، به بررسی این پرسش می‌پردازد که گسترش روابط کلان اقتصادی میان پکن و اسلام‌آباد چه پیامدهایی بر غرب آسیا، به‌ویژه منافع ملی ایران خواهد داشت؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که تقویت این پیوندها، توأمان فرصت‌ها و تهدیدهایی را برای منطقه و منافع ملی ایران ایجاد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که این روند از یک‌سو، با ارتقای موقعیت ترانزیتی و تسهیل اتصال به شبکه‌های تولید و توزیع جهانی در غرب آسیا، فرصت‌های همکاری منطقه‌ای را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، این اتحاد می‌تواند با تغییر در سهم تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و دگرگونی در توازن قدرت، چالش‌ها و فرصت‌های اقتصادی کلانی را برای کشور به همراه داشته باشد.

واژگان اصلی: ایران، پاکستان، چین، سیاسی، غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

davood.kiani@iou.ac.ir

(نویسنده مسئول)

۳. استاد، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

رقابت و روابط میان قدرت‌ها همواره در طول تاریخ وجود داشته و چه در دوران باستان و چه در حال حاضر این رقابت مسیر بسیاری از جوامع را تغییر داده و سیاست بین‌الملل را متأثر از خود نموده است، هر چند سرنوشت قدرت‌های بزرگ مانند سایر جوامع بشری به میزان قابل توجهی به تصمیمات اعضای آن بستگی داشته و دارد، چرا که قدرت‌های بزرگ سازمان‌های بسیار پیچیده‌ای هستند که همواره تصمیمات اصلی برای هدایت مسیر خود اغلب در دست چند نفر، بیشتر اوقات حتی یک فرد متمرکز بوده است. بنابراین باورها، شخصیت، ترجیحات و افکار آنها به طور نامتناسبی بر روند دولت تحت سلطه آنها تأثیر می‌گذارد. این مسئله درخصوص دو قدرت پاکستان در سطح منطقه‌ای و چین در مقیاسی جهانی نمود بارز و موثقی دارد. چین و پاکستان مشارکت اقتصادی و سرمایه‌گذاری خود را با تشکیل کمیسیون اقتصادی مشترک، گروه همکاری اقتصادی، کارگروه مشترک انرژی و شرکت سرمایه‌گذاری مشترک تقویت کردند. در چارچوب این ابتکارها موافقت‌نامه‌های متعددی نیز میان دو طرف منعقد شد. در نتیجه، بیش از ۱۲۰ شرکت و حدود ۱۰۰۰ مهندس و کارگر چینی در پروژه‌های زیرساختی و انرژی پاکستان فعالیت می‌کنند. گروه اورینت^۱ بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در بخش انرژی پاکستان سرمایه‌گذاری کرده است. و (Hussain, M., & Mehmood 2018: 47-66) از یک دهه گذشته میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در پاکستان افزایش چشمگیری داشته است. در سال ۲۰۱۲ فقط ۳ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین به پاکستان اختصاص یافته بود، اما در سال مالی ۲۰۲۳ شاهد آن هستیم که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در پاکستان افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و به رقم ۴۷۵,۳ میلیون دلار رسیده است (China dominated Pakistan's, 2023)، بررسی موارد فوق در قالب روابط چین و پاکستان نشان می‌دهد که منطقه‌ی غرب آسیا و ایران از این روابط متأثر شده و می‌تواند در قالب پیامدهای مثبت و منفی بر سطح منطقه ظهور و بروز نماید آنچه ضرورت و اهمیت مقاله حاضر را نشان می‌دهد این است که مطالعه روابط کلان چین و پاکستان و تأثیر آن بر منافع ملی ایران می‌تواند؛ به دست‌اندرکاران حوزه سیاست‌گذاری و امنیتی در جهت ترسیم محیط مناسب سیاسی و امنیتی از منطقه براساس روند تحولات جاری و آینده و همچنین ارتباط بین روابط پاکستان و چین در منطقه و تهدیدات و فرصت‌های منطقه‌ای آن در متن

¹ Orient Group Co

منافع ملی ایران کمک می‌کند. در راستای ضرورت این پژوهش نیز می‌توان بیان داشت که گسترش روابط پاکستان و چین در منطقه ضمن تشدید رقابت می‌تواند پاکستان را از حیث ترانزیت انرژی و حمل و نقل کالا و برنامه‌های اقتصادی به رقیبی جدی برای ایران تبدیل کرده و منافع ملی ایران را با چالش اساسی روبه رو سازد، علاوه بر آن نیز انجام این پژوهش در قالب تأثیرات روابط چین و پاکستان و مشخص نمودن تهدیدات و فرصت‌های آنها می‌تواند ایران را در جهت ابتکار عمل لازم برای تبدیل تهدیدات به فرصت یا حداقل تعدیل آنها کمک کند و در نهایت نیز آگاهی از تأثیرات این روابط می‌تواند ایران را به ارائه راهبردهای مناسب سوق دهد از آن رو مقاله حاضر تلاش دارد تا دو مسئله گسترش روابط چین و پاکستان و تأثیر آن بر منطقه‌ی غرب آسیا بخصوص ایران را مورد مطالعه قرار دهد.

پیشینه پژوهش

مهمترین تحقیقات انجام شده که می‌تواند ما را در انجام این پژوهش یاری دهند به قرار زیر می‌باشند، به قرار زیر می‌باشد:

- اندرو اسمال در کتابی با عنوان: «محور چین- پاکستان: ژئوپلیتیک نوین آسیا» کتاب حاضر با نگاهی عمیق به بررسی پیامدهای روابط چین با پاکستان بر غرب، هند، افغانستان و بر آسیا به عنوان یک کل پرداخته است. بر این اساس نویسنده درصدد برآمده است تا برخی از روایات پشت صحنه حساس‌ترین جنبه‌های روابط دو کشور از جمله حمایت پکن از برنامه هسته‌ای پاکستان، چگونگی پرداختن چین به طالبان، برنامه‌ریزی نظامی چین برای بحران در پاکستان و ... را مورد بررسی قرار دهد. (اسمال، ۱۳۹۷)

- فاطیما در مقاله‌ای با عنوان: «چشم‌انداز سه جانبه پاکستان، چین و ایران همکاری: فرصت‌ها و چالش‌ها» نگارنده بررسی می‌کند که پاکستان، چین و ایران در یک منطقه مملو از منابع طبیعی، پر برکت از اهمیت جغرافیایی و دارای پتانسیل اقتصادی عظیم قرار دارند، بنابراین چشم‌انداز همکاری‌های سه جانبه روشن است، زیرا جدا از اینکه از نظر جغرافیایی به یکدیگر متصل هستند، منافع استراتژیک و اقتصادی آنها نیز همپوشانی دارند. ابتکارات اقتصادی ارتباط منطقه‌ای که عمدتاً توسط چین در این بخش از جهان هدایت می‌شود، در همکاری کامل با سیاست‌های اقتصادی و خارجی پاکستان و ایران در منطقه است. تروریسم، افراط‌گرایی مذهبی،

درگیری‌های فرقه‌ای و مداخله بازیگران فرامنطقه‌ای تنها چند چالش هستند که بر سر راه این پیوند قرار دارند. چالش‌های داخلی ناشی از بی‌ثباتی سیاسی و عوامل اقتصادی-اجتماعی نیز می‌تواند بر این پیوند تأثیر منفی بگذارد. (Fatima, 2017)

- فیلیپوبونی، اینگدون، روتلج در کتابی با عنوان: «روابط چین و پاکستان: پویایی سیاسی، نظامی و منطقه‌ای» این کتاب به تحلیل روابط پاکستان و چین در دوره پس از ۱۱ سپتامبر در زمینه سیاست داخلی پاکستان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که تکامل و تداوم روابط چین و پاکستان از طریق سه مسئله تداوم می‌یابد: بندر گوادر، سرمایه‌گذاری چینی و ظهور ابتکار یک کمربند و یک راه. (Filippo, 2020).

- محروق در مقاله‌ای با عنوان: «واکوری اهمیت نقش و جایگاه پاکستان و ایران در معادلات استراتژیک چین» نگارنده ضمن پرداختن به روبرو هر یک از این سه کشور به این نتیجه می‌رسد که گسترش روابط چین و پاکستان به سطح همکاری و اتحاد استراتژیک و نبود چنین سطحی از روابط میان ایران و چین است (محروق).

- قادری حاجت و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش کربدور اقتصادی چین- پاکستان از منظر جایگاه نوین چین در نظام بین‌الملل» نگارنده ابتدا به بررسی موقعیت چین در نظام بین‌المللی پرداخته در ادامه بحث یک کمربند یک راه چین را و دلایل مطرح شدن آن را مد نظر قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که طرح ابتکار «کمربند و راه» خود شامل پروژه‌های متعددی است که عمدتاً منجر به تمرکز بیشتر چین بر مناطق غرب جغرافیایی این کشور می‌شود. (قادری حاجت، مصطفی و همکاران، ۱۳۹۸)

- تیلور (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان: «روابط چین و ایران: محدود اما مشارکت استراتژیک پایدار»، نگارنده بررسی می‌کند که ایران طی سال‌ها به دلیل تحریم‌های بین‌المللی دچار انزوای دیپلماتیک و اقتصادی شده بود، به تدریج روابط خود را با چین که برای تبدیل شدن به یک شریک استراتژیک حیاتی برای ایران وارد عمل شده است، عمیق‌تر کرده است. این گزارش به بررسی اهداف دیپلماتیک و سیاسی پکن در رابطه با تهران و همچنین محدودیت‌های ژئوپلیتیکی قابل توجه در این رابطه می‌پردازد. سپس کمک‌های اقتصادی چین به ایران را ارزیابی می‌کند که نشان از نقش چین به عنوان برترین بازار واردات و صادرات ایران و سرمایه‌گذار حیاتی در انرژی و حمل‌ونقل است. (Taylore, 2021)

پژوهش ضمن از این منظر دارای نوآوری است که ضمن بررسی تأثیرات منفی بر منافع ملی ایران به این موضوع هم توجه دارد که چین از این ظرفیت ملی برخوردار است که مناسبات متوازی بین کشورهای مختلف ایجاد نماید. هر چند که نگارنده معتقد است که این موضوع پیامدهای منفی فراوانی در پی خواهد داشت اما ایران می‌تواند با اتخاذ تدابیر لازم سبب کاهش تهدیدات در گام اول و در گام دوم تبدیل آنها به فرصت با توجه به امتیاز ممتاز ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و فرهنگی - تاریخی خود با چین و پاکستان شود، موضوعی که در پیشینه‌ها به ندرت مورد توجه قرار گرفته است و به عبارتی مغفول واقع شده است. اما پژوهش مذکور تلاش دارد تا این موضوع را به صورت علمی و آکادمیک مورد مطالعه قرار دهد، لذا بررسی این رساله از جنبه‌های فوق دارای نوآوری می‌باشد.

• چارچوب نظری: سیاست خارجی توسعه‌گرا

در ادبیات توسعه، هم مفهوم دولت توسعه‌گرا به وجود آمده است. سیاست خارجی توسعه‌گرا هم محصول و ابزار دولت توسعه‌گراست. به عبارت دیگر، بدون دولت توسعه‌گرا، سیاست خارجی توسعه‌گرا وجود نخواهد داشت. بنابراین، برای فهم سیاست خارجی توسعه‌گرا ناگزیر از ارائه تعریفی جامع و مانع از دولت توسعه‌گرا هستیم. دولت توسعه‌گرا به دولتی اطلاق می‌شود که راهبرد کلان خود را به شیوه‌ای تنظیم نماید که سیاست‌های داخلی و خارجی آن از کلیه منابع و امکانات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی، مادی و معنوی، زیرزمینی و روزمینی، در راستای اهداف متعالی توسعه استفاده کند (موتقی، ۱۳۸۷: ۱۸۵).

دولت توسعه‌گرا خودش متصدی فعالیت‌های اقتصادی نیست، بلکه نقش سکان‌دار توسعه را ایفا می‌کند. آدریان لفت ویچ دولت توسعه‌گرا را گونه‌ای از دولت می‌داند که قادر به تولید حرکت پایدار در مسیر توسعه است و این امر مهم از نوع روابط سیاسی و اقتصادی شان با نظام جهانی و به خصوص بازیگران اصلی آن منبعث می‌شود (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۴۴).

لفت ویچ به عنوان بارزترین نظریه‌پرداز دولت توسعه‌گرا، ویژگی‌های این نوع دولت‌ها را شامل نخبگان توسعه‌گرا، استقلال نسبی دولت از جامعه، قدرت بوروکراتیک و جامعه مدنی

¹-Developmental State

ضعیف می‌داند (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۲۵۲-۲۵۸).

سیاست خارجی در دولت‌های توسعه‌گرا به حدی اهمیت دارد که هاجون چانگ، نهاد هدایتگر دولت‌های توسعه‌گرا را سیاست خارجی می‌داند (Chang, 2010: 18). در تأیید سخن چانگ باید اشاره کرد که در جهان وابستگی متقابل یک پیوند ناگسستنی میان توسعه و سیاست خارجی شکل گرفته است. مباحث اقتصادی در حوزه سیاست خارجی، مانند قابلیت جذب سرمایه خارجی، دریافت وام‌های توسعه‌ای و مشارکت در نهادهای اقتصاد بین‌الملل، رابطه مستقیمی با برنامه توسعه‌ای کشورها و رشد اقتصادی آن‌ها پیدا کرده است. (Spohr & Silva, Da, 2017: 160)

شیائوپینگ در چارچوب توسعه‌گرایی، چند اصل کلی در سیاست خارجی چین را بنیان نهاد. از جمله، مشاهده بی سروصدای رخدادها، پاسخ و مدیریت ملایم در قبال وقایع، پاسداری راسخ از سرزمین چین، پنهان نگه‌داشتن توانایی‌ها، صبری و تلاش در راستای اهداف، از جمله این اصول است که رعایت آنها نوعی سیاست خارجی کم‌هیاو را برای چین به ارمغان آورد. (Glaser, 2014: 2) در نتیجه، تغییراتی که شوروی از سال ۱۹۷۹ الی ۲۰۱۲ به خود دید شامل:

- ۱- از سال ۱۹۷۹ تا فروپاشی شوروی: در این برهه، معیار تعیین دوست و دشمن در روابط خارجی چین از ایدئولوژی به منافع ملی تغییر یافت.

- ۲- از فروپاشی شوروی تا ۲۰۰۱: در این دوره چین با حفظ سیاست خارجی کم‌هیاو به تعامل با جهان و دیپلماسی اقتصادی ادامه داد.

- ۳- از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۲: تحولات اقتصادی چین در دو دهه قبل، زمینه پیوستن این کشور به سازمان تجارت جهانی را فراهم کرد. (سعیدی، ۱۳۹۹: ۱)

از آن سال چین سیاست خارجی خود را بیشتر صرف توسعه روابط با قدرت‌های بزرگ و آمریکا کرد. در پایان این دوره، تأثیرات توسعه‌گرایی در سیاست خارجی بر قدرت بین‌المللی چین نمایان شد. حفظ و تداوم این دستاورد بزرگ، ضرورت اعمال برخی تغییرات را در سیاست خارجی برای نخبگان چینی به وجود آورد.

¹ - Ha-Joon Chang

² - Pilot Agency

روابط چین و پاکستان و تأثیر آن بر غرب آسیا

روابط دوستانه میان چین و پاکستان دارای سابقه طولانی است و روابط دوجانبه دو کشور به کمک کریدور اقتصادی چین-پاکستان گسترش یافته و این امر چشم اندازی را برای سایر کشورهای منطقه ای برای بهره مندی از این ارتباط ایجاد کرده است. (Iran Reiterates Desire to Join CPEC, 2017)

یکی از مولفه های اصلی و مهم روابط چین-پاکستان کریدور اقتصادی چین-پاکستان است. این کریدور توسط لی کچیانگ، نخست وزیر وقت چین در ۲ و ۲۳ مه ۲۰۱۳ طی سفر وی به پاکستان مطرح شد. متعاقب آن، دیدار دوجانبه رهبران ارشد دو کشور افزایش یافت. در همین راستا و در جریان سفر رئیس جمهور چین شی جی پینگ به پاکستان در آوریل ۲۰۱۵، این طرح به طور رسمی نهایی شد. در این سفر قراردادهای دیگر از جمله ۵۱ یادداشت تفاهم، افتتاح پروژه و راه اندازی پنج پروژه انرژی مشترک بین دو کشور به امضا رسید. البته باید به این موضوع توجه داشت که چین پیش از طرح «ابتکار یک کمربند و یک راه» در سال ۲۰۱۳ نیز به دنبال توسعه حضور خود در بندر گوادر از ابتدای قرن ۲۱ بود. در ابتدای این قرن، برای توسعه بند گوادر ۲۵۰ میلیون دلار هزینه شد که چین ۸۰ درصد مخارج تکمیل فاز اول آن را تقبل کرد. لازم به ذکر است که کریدور اقتصادی چین-پاکستان چهار محور اعلام شده دارد که عبارتند از تولید انرژی، ایجاد زیرساخت، توسعه بندر گوادر و بهبود همکاری های صنعتی. (قادری حاجت و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۴)

اهمیت طرح کریدور اقتصادی چین-پاکستان از آن روست که طرح نامبرده سین کیانگ چین را به بندر گوادر مرتبط می سازد. این مسئله ارتباط زیادی با انرژی مورد نیاز چین دارد. چین وابستگی بسیار زیادی به انرژی دارد که بیش از ۶۰ درصد آن از طریق خلیج فارس تامین می شود. مسیر پکن برای تامین انرژی خود بدین صورت است که این کشور از خلیج فارس به اقیانوس هند و سپس از طریق بندر گوادر به وارد کردن انرژی اقدام می کند. (فرزین نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۴)

کریدور اقتصادی چین-پاکستان قصد دارد ارتباطات منطقه ای را بهبود بخشد. این کریدور تأثیر مثبتی بر غرب آسیا و همچنین کشورهای نظیر ایران، افغانستان، جمهوری های آسیای مرکزی و فراتر از آن خواهد داشت. این پروژه همچنین پاکستان را به ایران متصل می کند و موجب افزایش ظرفیت همکاری اقتصادی بین این کشورها می شود. ابتکار یک کمربند و یک راه یک حرکت بزرگ به سمت منطقه ای کردن اقتصاد بین المللی است. کریدور اقتصادی بین چین و

پاکستان سرمایه‌گذاری برای رفاه بلندمدت، ثبات و صلح منطقه است. کریدور اقتصادی چین-پاکستان دارای اثرات بالقوه بر روابط اقتصادی و ژئوپلیتیکی چین با کشورهای غرب آسیا و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و ایران است. همه این کشورها میزان قابل توجهی نفت و گاز طبیعی به چین می‌فروشند و اقتصاد آنها تا حد زیادی به تجارت با چین متکی است. مبالغ هنگفت پول جمع‌آوری شده از صادرات نفت، این کشورها را به شرکای سرمایه‌گذاری حیاتی برای چین تبدیل می‌کند. با این حال، ایالات متحده و متحدانش نسبت به پتانسیل افزایش نفوذ چین در منطقه ابراز نگرانی کردند. با این وجود، کریدور اقتصادی چین-پاکستان به عنوان یک پروژه مهم به شمار می‌آید که پتانسیل تغییر چشم‌انداز اقتصادی منطقه و تقویت ارتباط بین چین، پاکستان و غرب آسیا را دارد. (Min-Xing, H., & Sayed, 2022: 50)

اهمیت پاکستان در سیاست خارجی چین

پاکستان، در آینده قابل پیش‌بینی، ممکن است نقشی کلیدی در سیاست خارجی و تعامل چین در غرب آسیا ایفا کند. تعامل و همکاری میان چین و پاکستان دامنه نفوذ پکن را از ژئواکونومیک به ژئواستراتژیک تغییر می‌دهد؛ و سرمایه‌گذاری‌های مشترک تاثیر قابل توجهی در تثبیت حوزه نفوذ آن در غرب آسیا، آسیای جنوبی و مرکزی، اقیانوس هند و فراتر از آن خواهد داشت. همانطور که در مورد جنگ داخلی در یمن و روند عادی سازی با افغانستان مشهود است، چین در حال حاضر در تاثیرگذاری بر سیاست خارجی پاکستان موفق بوده است. با این وجود، سرمایه‌گذاری‌های مشترک موجب تغییر و تحول بزرگ نخواهد شد، بلکه این اجرای به موقع طرح‌ها و برنامه‌ها است که پتانسیل ایجاد تاثیرات منطقه‌ای را دارد. (Min-Xing, H., & Sayed, 2022: 50)

نفوذ سیاسی و اقتصادی چین در آسیا در میان چالش‌های ژئوپلیتیک جهانی در حال گسترش است. کریدورهای اقتصادی همچون راه ابریشم جدید منجر به رشد راهبردی و توسعه اقتصادی می‌شود. نقش روبه رشد چین در منطقه خاورمیانه و روابط آن با پاکستان و، منافع سیاسی و اقتصادی مشترک موجب همکاری میان این سه با تمرکز بر روی کریدور اقتصادی چین و پروژه‌های انرژی آن شده است. اما آینده چنین مشارکتی به دلیل اختلافات تاریخی میان و پاکستان می‌تواند شکننده باشد. (Tridivesh S.M&Hamza R, 2016: 3-4)

پیامدهای اجرای پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان بر غرب آسیا

اجرای پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان می تواند یک واقعیت ژئواستراتژیک جدید و مزایای ژئواکونومیکی برای تعامل و نفوذ پکن در غرب آسیا و حتی سایر مناطق جهان فراهم کند. چین امیدوار است از دوستی خود با پاکستان به عنوان "سکوی پرشی" برای ارتباط بیشتر با غرب آسیا استفاده کند. این تعامل جدید چین و پاکستان به احتمال زیاد نفوذ پکن را در امور خاورمیانه افزایش می دهد و بر روابط خارجی اسلام آباد تأثیر می گذارد. (Mordechai, 2016: 3-7)

کریدور اقتصادی چین-پاکستان به عنوان بزرگترین منبع واردات نفت و گاز طبیعی چین محسوب می شود. این کریدور همچنین می تواند در صورتی که چین تصمیم به ارائه قدرت نظامی در این منطقه بگیرد، حضور دریایی چین را در اقیانوس هند و خلیج فارس افزایش دهد. (Zhu, 2020: 1-7)

علاوه بر این، می تواند منابع انرژی را از آسیای مرکزی برای پاکستان و چین فراهم کند و به آن ها امکان دسترسی به منابع مورد نیاز برای توسعه را بدهد که در غیر این صورت ممکن است به دلیل تنش های سیاسی در منطقه در دسترس نبوده یا ارسال آنها دشوار باشد. در نهایت، این کریدور می تواند برای یکپارچگی اقتصادی در آسیای جنوبی و مرکزی و همچنین ارتباط بهتر آنها با بازارهای سایر نقاط جهان از جمله بازارهای غیر آسیا مفید باشد. (Min-Xing, H., & Sayed, 2022: 3-9)

کریدور اقتصادی چین-پاکستان دارای سه مؤلفه مهم است: ۱- تسهیل توسعه صنعتی و زیرساختی در پاکستان؛ ۲- توسعه یک شبکه حمل و نقل و ارتباطی مدرن که ارتباط بین غرب چین و بنادر ساحلی پاکستان را ارتقا می دهد؛ ۳- این کریدور به چین اجازه می دهد تا با اجاره ۴۰ ساله، یک بندر آب عمیق و منطقه ویژه اقتصادی در منطقه گوادر ایجاد کند. هر سه این مؤلفه ها برای کشورهای غرب آسیا پیامدهایی خواهند داشت. (Min-Xing, H., & Sayed, 2022: 3-9)

به همان اندازه که کریدور اقتصادی چین-پاکستان، چین را قادر می سازد تا از گوادر به عنوان تاسیسات تامین و نگهداری دریایی های دریایی خود استفاده کند. علاوه بر این، اتصال گوادر به شبکه کریدور اقتصادی چین-پاکستان، در صورت نیاز توانایی چین را برای انتقال تجهیزات و پرسنل نظامی از طریق پاکستان به گوادر افزایش می دهد. در نتیجه، دسترسی به بندر گوادر و

حمل و نقل زمینی مرتبط با کریدور اقتصادی به چین این امکان را می‌دهد تا قابلیت‌های نظامی خود را در اقیانوس هند، دریای عرب و خلیج فارس به طور قابل توجهی افزایش دهد. (Jonathan, 2016: 2-8)

سرانجام، توانایی چین برای استفاده از شبکه کریدور اقتصادی چین-پاکستان و گوادر برای مقاصد نظامی، توانایی‌های دریایی چین را در اقیانوس هند و دریای عرب افزایش می‌دهد. این توانمندی تأثیر بسزایی بر روابط راهبردی و ژئوپلیتیک چین در غرب آسیا خواهد داشت. (Jonathan, 2016: 2-8)

در میان پروژه‌های زیرساختی متعدد کریدور اقتصادی چین-پاکستان، به نظر می‌رسد چین متعهدترین کشور به بندر دریایی گوادر است. این تعهد قوی با تصمیم چین در سال ۲۰۱۵ برای تبدیل وام ۲۳۰ میلیون دلاری برای توسعه فرودگاه گوادر به کمک بلاعوض نشان داده شد. وام ۱۴۰ میلیون دلاری دیگر برای توسعه ۱۹ کیلومتر بزرگراه که گوادر را به شاهراه ساحلی پاکستان متصل می‌کند نیز به وام بدون بهره تبدیل شد. چین این نوع سخاوت و انعطاف‌پذیری را برای سایر پروژه‌های کریدور اقتصادی نشان نداده است اگر گوادر بر اساس برنامه بلندمدت کریدور اقتصادی چین-پاکستان توسعه یابد، به عنوان یک مرکز تجاری بزرگ برای روابط اقتصادی چین با غرب آسیا و شمال آفریقا ظاهر خواهد شد. (Zhu, 2020: 3-6)

چین با اجاره ۴۰ ساله بندر گوادر در چندین پروژه برای توسعه این بندر و تبدیل آن به یک بندر تجاری مدرن و منطقه ویژه اقتصادی مشارکت دارد. این پروژه‌ها شامل فرودگاه بین‌المللی، منطقه صنعتی، طرح آب شیرین کن، پایانه نفت و مجتمع پتروشیمی، نیروگاه زغال سنگ و سایر تاسیسات کمکی است که همگی در حال انجام هستند. طرح جامع چین و پاکستان برای گوادر به شدت بر مشارکت دولتی - خصوصی برای جذب سرمایه گذاری خصوصی و بین‌المللی برای فعالیت‌های صنعتی و تجاری در گوادر متکی است. دولت پاکستان برای این منظور چندین مشوق برای سرمایه گذاری و مالیات برای مناطق اقتصادی گوادر اعلام کرده است. (Zhu, 2020: 3-6)

همچنین گوادر، واقع در دهانه مسیر نفت خلیج فارس، بندری حیاتی برای ابتکار «یک کمربند یک جاده» چین است. این بندر امکان دسترسی به مسیر دریایی برای غرب آسیا و کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی فراهم می‌کند. چشم انداز پیوندهای دریایی و اتصال اعماق دریا از طریق بندر گوادر، نقش راهبردی به مسیرهای دریایی پاکستان می‌دهد. (Khetran, 2016)

نقش پاکستان در سیاست خارجی چین در غرب آسیا

پاکستان همواره نقش کلیدی در سیاست خارجی چین به ویژه در حوزه آسیای مرکزی و جنوب آسیا ایفا کرده است. چین تا به امروز درصدد مشارکت راهبردی با پاکستان به عنوان راهکاری سودمند در جهت محدود کردن قدرت هند در منطقه و منحرف کردن نیروی نظامی و توجه راهبردی دهلی نو از چین بوده است. اخیراً، پاکستان برای چین به یک متحد مهم منطقه ای به منظور مقابله با ایالات متحده و هند تبدیل شده است. این امر مشخصاً در دوران ریاست جمهوری اوباما با معرفی راهبرد نگاه به شرق آسیا اتفاق افتاد که باعث شد این منطقه به جبهه جدیدی در رقابت راهبردی میان واشنگتن و پکن تبدیل گردد. (Mordecha, 2016: 2-7)

نزدیکی پاکستان به بازارهای خاورمیانه و آفریقا به عنوان دروازه اصلی برای تجارت بین چین و این مناطق عمل می کند. پروژه کریدور اقتصادی چین-پاکستان بندر جنوبی پاکستان یعنی گوادر در دریای عرب را با شبکه ای از بزرگراه ها، خطوط راه آهن و خطوط لوله به منطقه غربی سین کیانگ چین متصل می کند که می تواند ارتباط بین پکن و غرب آسیا را بهبود بخشد. به ویژه، نفت غرب آسیا می تواند در بندر گوادر تخلیه شود و از طریق بلوچستان به چین منتقل شود. این امر به چین یک مسیر مستقیم زمینی به حوضه اقیانوس هند، محل ۷۰ درصد از ترافیک جهانی نفت فراهم می آورد. (Mordecha, 2016: 2-7)

این طرح به گونه ای طراحی شده است که پکن یک مسیر تجاری جایگزین برای بنادر سواحل شرقی و جنوبی خود ایجاد کند و بنابراین دسترسی ارزان تر به بازار غرب آسیا و آفریقا داشته باشد. فاصله غرب آسیا تا شانگهای حدود ۱۵۲۸۸ کیلومتر است، در حالی که فاصله غرب آسیا تا استان سین کیانگ چین از طریق پاکستان تنها ۴۰۲۳ کیلومتر است، بنابراین این مسیر از نظر مسافت، زمان، هزینه و مهم تر از همه امنیت مسیری عملی تر خواهد بود. (Kataria, J.R., & Naveed, 2014: 2-9)

نقش عربستان در سیاست خارجی چین در غرب آسیا

جالب است که عربستان سعودی اولین کشوری می باشد که از طریق کریدور اقتصادی چین و پاکستان در ابرپروژه جاده ابریشم سرمایه گذاری می کند. درهمین راستا در سپتامبر سال ۲۰۱۸، مقامات پاکستانی پس از برگزاری جلسه با وزیر امور خارجه چین اعلام کردن که آمادگی پذیرش

شرکت‌هایی از برخی کشورهای غرب آسیا از جمله عربستان سعودی، عمان و امارات برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف کریدور اقتصادی چین-پاکستان می‌باشد. همچنین عمران خان نخست‌وزیر وقت پاکستان در سپتامبر همان سال با ملک بن سلمان ملاقات کرد که در نتیجه رایزنی‌های طولانی، عمران خان اظهار داشت که عربستان سعودی مایل است با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های چند میلیارد دلاری کمربند اقتصادی جاده ابریشم به کریدور اقتصادی چین-پاکستان پیوندد. (فرزین نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۴)

از سوی دیگر و درمورد پاکستان، سرمایه‌گذاری مستقیم کشورهای غرب آسیا به ویژه عربستان سعودی می‌تواند ذخایر این کشور را تقویت کند و این امکان را برای تحقق بخشیدن به پرداخت مطالبات انرژی، کاهش کسری تجاری، ایجاد فرصت‌های شغلی و کمک به ثبات در اقتصاد متزلزل این کشور فراهم آورد. در سال‌های اخیر به ویژه بعد از اینکه پارلمان پاکستان تصمیم گرفت که از ارتش سعودی‌ها در بحران یمن حمایت نکند، به سردی گراییده بود. علاوه بر این از یک زاویه سه جانبه، مشاکت عربستان سعودی و پاکستان می‌تواند با فراهم آوردن دسترسی موثر چین به منابع انرژی منطقه، به عنوان ابزاری برای گسترش ابتکار کمربند-راه از طریق کریدور اقتصادی پاکستان-چین در غرب آسیا کمک کند و با ادغام کشورهای غرب آسیا در کریدور اقتصادی چین-پاکستان باعث گسترش ابرپروژه چینی شود. (فرزین نیا و ایاز، ۱۳۹۵: ۴۳-۶۴)

نقش ایران در سیاست خارجی چین در غرب آسیا

اگرچه رابطه بین دو کشوری که روابط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران دارند برقرار شد و گذشته تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه تنش یا درگیری بین این دو کشور با ایران وجود نداشته است، اما به دلیل منافع و مسائل بلندمدت مرتبط با امنیت ملی، این رابطه برای ایران اهمیت زیادی یافته و لزوم توجه به آن را دوچندان کرده است. وجود این معادلات همانطور که شفيعی می‌گوید به دلیل چهار عنصر امنیتی، جغرافیایی، تاریخی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران مؤثر است. بنابراین لازم است این معادلات از منظر جمهوری اسلامی ایران و تهدیدها و فرصت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گیرد. آنچه مسلم است شکل‌گیری معادلات سیاسی و امنیتی موجود در جنوب آسیا بر منافع، امنیت ملی و قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران در محیط منطقه‌ای جنوب آسیا تأثیر می‌گذارد. ایران با وسعت جغرافیایی یک میلیون و ۶۴۸ هزار و ۱۹۵

کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۸۰ میلیون و ۲۷۵ هزار و ۱۹۵ نفر در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی کشوری قابل حساب و کتاب محسوب می‌شود. همه شاخص‌های موجود نشان می‌دهد که ایران یک قدرت منطقه‌ای است و بنابراین هر کشوری تمایل دارد با آن قدرت منطقه‌ای روابط قوی داشته باشد. تردیدی نیست که کشوری با ویژگی‌های ایران وقتی در منطقه‌ای پرتنش مانند خاورمیانه و جنوب آسیا قرار گیرد، نقش وزنه‌ای متعادل کننده در معادلات منطقه را ایفا خواهد کرد. همچنین ایران از نظر شاخص‌هایی مانند موقعیت استراتژیک، دوستی و دشمنی با کشورهای منطقه، قرار گرفتن در ائتلاف‌ها، پیمان‌ها، ائتلاف‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در موقعیت ممتازی قرار دارد. ایران از نظر عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای یکی از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی است. نفوذ ایران در این سازمان که نزدیک به ۵۶ کشور اسلامی را شامل می‌شود، باعث می‌شود کشورهای دیگر برای نفوذ در این سازمان به ایران نگاه کنند. علاوه بر این، ایران بخشی از معاهده اکو است. اکو دارای ۱۰ عضو کلیدی در منطقه استراتژیک آسیای جنوب غربی، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی و قفقاز است و ایران یکی از موثرترین اعضا است. این در حالی است که ایران نیز یکی از اعضای اوپک است. اوپک گروهی از کشورهای تولیدکننده نفت است که کنترل بخش مهمی از این کالای استراتژیک را در دست دارد، در این مجموعه ایران نیز یکی از مهم‌ترین کشورهای تأثیرگذار است. ایران از نظر موقعیت استراتژیک به دلیل سواحل طولانی خلیج فارس به‌ویژه کنترل تنگه هرمز تأثیر بسزایی در جریان حمل و نقل نفت دارد. علاوه بر این، ایران حلقه اتصال شش سامانه منطقه‌ای خلیج فارس، آسیای مرکزی، قفقاز، جنوب آسیا، خاورمیانه و حوزه دریای خزر است. هر یک از این شش حوزه دارای پتانسیل‌هایی هستند که قدرت ایران را برای مانور بر مشکلات پیرامون خود افزایش می‌دهد (شفیعی، ۱۳۸۸).

چالش‌های گسترش روابط چین و پاکستان برای ایران

گسترش روابط چین و پاکستان برای ایران دارای فرصت‌ها و تهدیدات بیشماری است که در ادامه به مطالعه برخی از آنها پرداخته می‌شود

چالش‌های جغرافیایی

در حوزه اقتصادی که یکی از نمودهای عینی آن را می‌توان در سرمایه‌گذاری مشترک آن‌ها در بندر گوادر پاکستان دید؛ باید گفت که تهدیدهای بندر گوادر برای ایران با توجه به اینکه بندر

چابهار و بندر گوادر نزدیک همدیگر واقع شده‌اند، بدون شک به دلیل جغرافیای سرزمینی واحد یا نزدیک هم تأثیر می‌گذارد. (روزنامه افغانستان، ۱۳۹۵: ۱)

از طرفی این سابقه وجود دارد که طی دوره گذشته دبی در حوزه خلیج فارس فرصت‌های طلایی را از بنادر ایران ربود و این بار این سناریو توسط گوادر پاکستان در حال تکرار است، بطوری که ممکن است در آینده سواحل مکران به بارانداز گوادر پاکستان تبدیل شود و این آینده‌ای بسیار ناگوار از جنوب کشور برای اقتصاد ایران به دنبال خواهد داشت، (سلطانی، ۱۳۸۱: ۶).

- ایجاد پایگاه نظامی و تجهیز نیروهای دریایی و هوایی پاکستان و چین در کنار مرزهای آبی و خاکی ایران، حساسیت‌ها و آسیب پذیری‌های خاص خود را به همراه دارد؛

با سفر رئیس‌جمهوری چین به پاکستان و اعلام سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلاری این کشور در پاکستان و همچنین حجم عظیم سرمایه‌گذاری محلی و ملی پاکستان در بنادر گوادر، صدای ناقوس مرگ زود هنگام فرصت‌های طلایی سواحل مکران و کریدورهای شمال و جنوب و غرب به شرق در ایران به صدا درآمده است. (عملاً با بهره‌برداری چین از بندر گوادر با هدف تبدیل آن به مگاپورتهی بی نظیر و با عمق بسیار زیاد و بی‌بدیل در اقیانوس هند و دریای عمان و منطقه، تمامی فرصت‌های ترانزیتی - ترانشیپی - گمرکی - دریایی در حوزه‌های مختلف را از ایران خواهد ربود.

چالش تحریم‌های بین‌المللی

اگر چه ایران از نظر استراتژیک یک کشور بسیار مهم برای پاکستان است؛ اما این کشور به دلیل مخالفت شدید متحدان قدیمی خود، ایالات متحده و عربستان سعودی، در موقعیتی نیست که بتواند با ایران در پروژه‌های بزرگ شراکت کند، وخامت اوضاع اقتصادی پاکستان به وابستگی اقتصادی این کشور به آژانس‌های مالی بین‌المللی تحت کنترل ایالات متحده و کشورهای حوزه خلیج فارس، عمده‌تأ عربستان سعودی و امارات متحده عربی منجر شده است که مانع دیگری برای از سرگیری هرگونه پروژه‌ای در سطح کلان محسوب می‌شد، خصوصاً که با توجه به بحران اقتصادی که پاکستان دارد و تلاشی که این کشور برای نزدیک شدن به آمریکا و دریافت کمک‌های مالی از آن برای برون رفت از بحران اقتصادی دارد اساساً نگران واکنش آمریکا در زمینه همکاری با ایران در مورد پروژه‌های این‌چنینی است. (Latif، 2019)

^۱ -انتقال کالا از وسیله‌ای به وسیله دیگر همچون تخلیه از کشتی جهت بارگیری به مقصد ثانویه با دسیله دیگر

پاکستان در ۲۵ سال گذشته به دلیل فشارهای ایالات متحده نتوانسته پروژه خط لوله گاز چند میلیارد دلاری را عملی کند؛ پروژه‌ای که می‌توانست تقاضای روزافزون پاکستان برای انرژی را برآورده کند، این در حالی است که تهران مدت‌ها پیش بخش مربوط به خود را به پایان رسانده است. در همین زمینه عبدالخالق علی، تحلیلگر سیاسی و امنیتی ساکن کراچی معتقد است «پروژه خط لوله گاز [پاکستان- ایران] می‌تواند تقاضای روزافزون پاکستان برای انرژی را برآورده کند، اما فشار آمریکا اجازه نداد اسلام‌آباد به تعهدات خود با تهران عمل کند. چگونه می‌توان این بار انتظار معجزه داشت». در همین زمینه دکتر شهید حسن صدیقی، اقتصاددان ساکن کراچی، می‌گوید «عملاً، شانس ورود تهران به این پروژه در شرایطی که جمهوری اسلامی با تحریم‌های فزاینده از سوی ایالات متحده مواجه است، صفر است. (فرهادی، ۱۴۰۱: ۱)

رقابت روسیه در زمینه انرژی با ایران: در شرایطی که نفت ایران به دلیل تحریم‌ها به فروش نمی‌رسد روسیه و عربستان مشتریان شرقی ایران نظیر چین، ژاپن، کره جنوبی را جذب خود کرده‌اند. در کشور پاکستان، روسیه بازار گازی ایران را از دست این کشور گرفت. با وجود آنکه ایران از سال ۱۹۹۰ میلادی خط لوله صلح را برای انتقال گاز تا مرز پاکستان کشیده است، پاکستان قراردادهای واردات گاز خود را به صورت بلندمدت با روسیه و ترکمنستان امضا کرد. (رحیمی، ۱۴۰۰: ۲)

در مورد چین تا قبل از سال ۲۰۱۵ بزرگ‌ترین صادرکننده نفت به این کشور عربستان بود ولی از سال ۲۰۱۶ به تدریج روسیه با افزایش صادرات نفت خود به چین جای این کشور را گرفت و هم اکنون با صادرات بیش از یک و نیم میلیون بشکه در روز جزء بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت به چین شده به شمار می‌رود. نکته قابل توجه این است که روسیه در زمینه انتقال گاز به چین شرایط بهتری نسبت به ایران دارد. به عقیده برخی از محققان خط لوله انتقال گاز از مسیر سیبری به چین، چشم‌انداز مطمئن‌تر و پایدارتری از ایران را به چین می‌دهد و همین سبب می‌شود که روسیه رقیب جدی برای ایران در این زمینه مطرح شود. (Blank, 2010)

فرصت‌های گسترش روابط اقتصادی چین و پاکستان برای ایران

وسعت و حجم عظیم مسیر پروژه گوادر پاکستان نشان می‌دهد که این طرح پروژه‌ای طولانی مدت است که سالیان سال طول خواهد کشید و حداقل یک نسل برای پیاده سازی چنین طرح عظیمی لازم است. از این رو در نظر گرفتن تمام جوانب و جزییات برای مشارکت در آن

الزامی است (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۴: ۲۶-۲۵).

تلاش برای جلب مشارکت ایران در گوادر و کریدور چین-پاکستان

بندر گوادر هنوز برای بازرگانی آماده نیست و بخش‌های بزرگ دیگر دالان اقتصادی چین-پاکستان آشوب‌زده هست. با این حال هر چند پاکستان نگرانی‌های امنیتی موجود را با ایجاد یک دایره امنیتی ویژه برای حفاظت از پروژه دالان اقتصادی چین-پاکستان ایجاد کرده است، چین معتقد است حضور در گوادر تهدیدی برای ایران تلقی نمی‌گردد و در سطح اعلانی معتقد است توسعه چابهار، باعث تقویت توسعه بندر گوادر می‌شود. در این شرایط به نظر می‌رسد پاکستان تلاش می‌کند برای تکمیل طرح راهروی اقتصادی مشترک چین-پاکستان^۱ با جلب مشارکت و توجه ایران آینده روشن‌تری را برای آن و گوادر رقم بزند. از این منظر تلاش‌های برای جلب توجه ایران در وضعیت پساتحریم با برخورداری از پتانسیل‌های بزرگ تجاری، اقتصادی و انرژی و موقعیت می‌تواند موجب افزایش برد گوادر و طرح کلان ۵۰ میلیارد دلاری دالان مشترک گردد. (شورای راهبردی وزارت خارجه، ۱۳۹۶)

از تنگه هرمز تا غرب کراچی-حدود ۱۵۰۰ کیلومتر ساحل است که عمدتاً قوم بلوچ در آنجا ساکن هستند. حدود ۷۰۰ کیلومتر از این سواحل در خاک ایران و ۸۰۰ کیلومتر آن در خاک پاکستان است (بالی، ۱۳۹۵: ۱). بنادر گوادر پاکستان و چابهار ایران باید از طریق مبادله ظرفیت‌های موجود در حوزه‌های تجاری-بازرگانی و صنعتی در مسیر مشارکت سازنده گام بردارند تا مکمل یکدیگر باشند و نباید به این دو بندر به صورت رقابت‌آمیز نگاه کرد، با این حال به برخی فرصت‌ها می‌توان اشاره نمود:

- ایران که دارای روابط خوبی با هر دو کشور پاکستان و چین است، ایجاد امنیت در منطقه بلوچستان پاکستان به تأمین امنیت در منطقه مرزی دو کشور کمک خواهد کرد؛
- توسعه بندر گوادر و احداث خط لوله پاکستان به چین به نوعی باعث می‌شود ایران عقیم ماندن طرح خط لوله گاز ایران-پاکستان که با مخالفت آمریکا متوقف شده است را جبران کند. (خط لوله بندر گوادر به چین باعث می‌شود که ایران نیز به حلقه ارتباطی چین و پاکستان مرتبط شود)؛
- باز شدن مسیرهای جدید تجاری، عنصر مهمی برای افزایش حجم تجارت ایران با چین و

^۱ - CPEC

سایر کشورهایی است که در امتداد این مسیر قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، این طرح‌ها در ایران باعث ایجاد زیرساخت بسیاری در بخش‌های ریلی و جاده‌ای، خطوط انرژی و غیره می‌شود.

- با توجه به فضای ایجاد شده پس از مذاکرات اتمی بین ایران و کشورهای غربی، احتمال مشارکت چین در ساخت خط لوله گاز در پاکستان برای اتصال آن به لوله‌های انتقال گاز ایران وجود دارد.

- ایران از این مسیر تازه به بازارهای پاکستان، چین و آسیای میانه دسترسی بیشتری خواهد یافت.

• تاثیر افزایش مناسبات چین و پاکستان بر توسعه اقتصادی مناطق جنوب شرق ایران

برقراری روابط تجاری، همواره نتیجه ملاحظات اقتصادی نیست بلکه در مواردی اهداف سیاسی و ملاحظات امنیتی نیز موجب شکل‌گیری ترتیبات تجاری می‌شود. برای گذار از عامل امنیتی در ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان و رسیدن به روابط نهادینه شده و پررنگ‌تر شدن عامل فرهنگی و اقتصادی، باید حوزه‌های مختلف دو کشور در زمینه‌های اقتصادی به هم نزدیک شوند. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری قابل توجه برای توسعه چابهار با همکاری هند نیز یک نقطه امید برای این استان و منطقه محسوب می‌شود. اما از سوی دیگر، تأکید بر بازارچه‌های مرزی نیز می‌تواند هم‌پای توسعه چابهار، برای توسعه تجارت کشور فرصت‌سازی نماید. تبدیل مرزها از تهدید به فرصت با جلوگیری از خالی شدن مرز و رونق در بازارچه‌های مرزی مسیر است؛ در مرز مشترک ایران و پاکستان که همگی در استان سیستان و بلوچستان است، چهار بازارچه و گذرگاه رسمی مرزی چون میرجاوه در شهرستان میرجاوه، بازارچه مرزی کوهک و جالق در شهرستان سراوان، بازارچه مرزی پیشین شهرستان سرباز و بازارچه مرزی ریمدان شهرستان چابهار وجود دارد که از میان آنها تنها بازارچه و گذرگاه میرجاوه هم اکنون فعال است و بقیه به خاطر نبود امکانات زیرساختی فعلاً از دور خارج هستند. در راستای طرح «یک کمربند یک جاده» چین و قسمت منطقه‌ای آن یعنی کریدور اقتصادی چین و پاکستان، بندر گوادر در نزدیکی مرز ایران، اگرچه به عنوان تهدیدی علیه توسعه بندر چابهار تلقی می‌شود اما یک زمین بازی جدید برای ایران نیز هست. (عابدینی و همکاران ۱۴۰۰: ۱۰۶)

رونق بازارچه‌های مرزی و بنادر چابهار و گوادر، از یک سو به کاهش محرومیت در دو سوی مرز می‌انجامد که خود زمینه‌ساز امنیت پایدار در منطقه است و از سوی دیگر تبادلات

اقتصادی دو کشور را افزایش و وابستگی متقابل ایجاد می‌نماید که خود امنیت‌ساز است.^۱

برنامه جامع ۲۵ ساله ایران و چین

سند همکاری جامع راهبردی ایران و چین که فروردین ماه ۱۴۰۰ در تهران به امضای «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران و «یانگ یی» همتای چینی او رسید، از سال ۲۰۱۶ در دست بررسی بود. این سند بر تقویت همکاری بخش خصوصی و نقش ایران در برنامه سرمایه‌گذاری و زیرساخت‌های چین و طرح راه ابریشم جدید (یک کمربند- یک راه) متمرکز است. ماین سند طرح‌هایی را برای تأمین بلندمدت نفت خام ایران به چین و همچنین سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های نفت، گاز، پتروشیمی، تجدیدپذیر و انرژی هسته‌ای را نشان می‌داد.

امضای توافق ۲۵ ساله ایران و چین واکنش زیادی را در محافل سیاسی و رسانه‌ای به همراه داشت تا آنجا که رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا را وادار کرد که اعلام کند نگران روابط چین و ایران است. بایدن چند روز پس از امضای توافق ۲۵ ساله ایران و چین در تهران، در پاسخ به سوال یک خبرنگار که پرسید «آیا نگران مشارکت ایران و چین هستید؟» اعلام می‌کند که، «یک سال است که نگران آن هستم»

این سند ظرفیت‌ها و چشم انداز همکاری دوجانبه جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی و نظامی را مورد بحث قرار داده و علاوه بر زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیارد دلاری از سوی چین در پروژه‌های مختلف ایران، همکاری‌هایی در زمینه‌های دفاعی به ویژه رزمایش‌های مشترک و حوزه سیاسی با محوریت حمایت دو کشور از یکدیگر در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را شامل می‌شود. با وجود گذشت چندین سال از امضای سند، اما اهتمام لازم برای عملیاتی شدن قراردادهای پیش‌بینی شده ذیل آن صورت نگرفته بود، که دلایل متعددی دارد.

نقش چین در بهبود روابط ایران و عربستان سعودی

توافق تهران و ریاض در پکن دستاوردی مثبت برای کشورهای منعقدکننده این توافق و البته

¹ - Strategic Council of the Ministry of Foreign Affairs. 2.1396.

میزبان بود که نه تنها در میان کشورهای آسیایی، بلکه در سطح جهان واکنش‌های فراوانی در پی داشت. حضور چین به عنوان میاندار این توافق بر اهمیت موضوع افزود و علاوه بر اینکه به تعمیق روابط این کشور با عربستان و ایران کمک کرد، نشان داد که پکن در پی تغییر نقش بین‌المللی خود و حضور موثرتر در عرصه روابط بین‌الملل است؛ موضوعی که پیش از این، عموماً از آن طفره می‌رفت. بهبود روابط ایران و عربستان سعودی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر اقتصاد ایران داشته باشد.

در دیپلماسی جهانی، چین به عنوان یکی از کشورهای پر قدرت و تاثیرگذار شناخته می‌شود و این اثرگذاری در سال‌های اخیر نقش پر رنگ‌تری به خود گرفته است. تلاش‌های اخیر ریس جمهور چین در راستای بهبود روابط میان کشورهای ایران و عربستان که از بزرگترین کشورهای دارای منابع عظیم نفتی در جهان نیز هستند و در مناسبات سیاسی و اقتصادی در منطقه می‌توانند نقش آفرین باشند از راهبردهای جدید دولت کمونیستی چین است. این کشور مکانیسم‌های مناسبی برای بهبود وضعیت در بین دو کشور دارد.

بهبود رابطه ایران و عربستان ناشی از تأثیر سه‌متغیر ساختاری، منطقه‌ای و داخلی است. تغییر مرکز ثقل قدرت در نظام بین‌الملل از غرب به شرق و افول قدرت هژمونیک آمریکا به تغییر نقش واشنگتن در منطقه خلیج فارس و ایفای نقش مستقلانه‌تر بازیگران منطقه‌ای از جمله عربستان منجر شده است.

ایران نیز در تلاش است با بهبود روابط با عربستان در کوتاه‌مدت حجم تجارت دوجانبه به یک میلیارد دلار و در میان‌مدت به ۲ میلیارد دلار افزایش یابد و صادرات محصولاتی همچون آهن، خشکبار شامل پسته و زعفران و کشمش، کفپوش‌ها و سیمان در این زمینه مدنظر است. بر همین اساس، در حوزه واردات نیز امکان واردات وسایل نقلیه موتوری، کودهای معدنی و شیمیایی، پلی‌اتیلن و محصولات نساجی از عربستان مدنظر است. ایران همچنین در تلاش است علاوه بر صادرات و واردات کالا، در حوزه سرمایه‌گذاری، تولید مشترک صنعتی و اجرای پروژه‌های خدمات فنی و مهندسی در حوزه صنعتی و صادرات مجدد نیز همکاری بین دو کشور را افزایش دهد. (حیران‌نیا، ۱۴۰۲)

نتیجه‌گیری

با رشد چین و اثرگذاری روزافزون این کشور و ابتکار یک کمربند-یک راه، هیچ یک از کشورهای همسایه چین در منطقه تمایلی به نادیده گرفتن چین و نقش آن در نظام بین‌الملل

ندارند. چین برای رشد و قدرت یابی به رشد اقتصادی و تجارت و برای رشد اقتصادی به انرژی نیازمند است. اما با توجه به یک بعدی نبودن تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی کشورها، چین، علاوه بر اقتصاد، نگاهی نیز به مسائل امنیتی، سیاسی و نظامی دارد و در تلاش است بتواند مهم‌ترین رقیب خود در منطقه، یعنی هند را به آرامی مهار کند؛ هرچند این، هدفی درازمدت برای چین است. هند نیز که رقیب چین در آسیاست، نگاه خوبی به اقدامات چین در اقیانوس هند ندارد و از همین رو استراتژی‌هایی برای مقابله با چین در اقیانوس هند به کار گرفته است و یکی از ابعاد این مهار گسترش روابط با پاکستان است از سوی دیگر نیز ایران به جای رقابت استراتژیک در جنوب آسیا باید به رفاقت استراتژیک با کشورهای تأثیرگذار جنوب آسیا وارد شود تا بتواند در غرب آسیا موازنه‌ای قابل قبول انجام دهد و از پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود، نهایت استفاده را ببرد. با این حال، روابط این دو کشور علاوه بر روابط دوجانبه، بدون شک بر سایر کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران نیز تأثیرگذار است. روابط نزدیک این دو کشور علیرغم همجواری با ایران، می‌تواند آثار و پیامدهای منفی بر امنیت ملی کشورمان داشته باشد و البته از بعد اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران را نیز تهدید می‌کند. دلایل افزایش و گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران در خاورمیانه بر همگان آشکار است. در واقع ایران مانند یک محور اصلی بین منطقه شرقی خاورمیانه و آسیا از یک سو و اروپا و آسیا از سوی دیگر قرار گرفته و با موقعیت و نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود از سایر کشورهای منطقه پیشی گرفته است. اما از سوی دیگر، امروز تلاش چین برای حضور نظامی بیشتر و تصرف بازارهای اقتصادی بیشتر در منطقه بر کسی پوشیده نیست. بدون شک با توجه به نگاه ویژه به سیاست خارجی و تلاش برای تقویت روابط امنیتی منطقه‌ای، وجود پایگاه‌های نظامی احتمالی چین در نزدیکی مرزهای آبی و دریایی ایران نمی‌تواند عاملی باشد که برای جمهوری اسلامی ایران و سیاستمداران ایرانی جذاب باشد. از سوی دیگر حضور پررنگ چین در عرصه‌های اقتصادی پاکستان به ویژه پروژه‌ای مانند توسعه بندر گوادر که رقیب مستقیم بندر چابهار در ایران است و برخی دیگر از پروژه‌های اقتصادی این کشور که با کمک چین ساخته می‌شود می‌تواند تهدیدی برای اقتصاد ایران باشد. این موارد دست به دست هم می‌دهند، بنابراین روابط چین و پاکستان بیش از پیش مورد توجه جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران سیاست خارجی این کشور قرار می‌گیرد. اگرچه موقعیت استراتژیک ایران در منطقه خاورمیانه فرصت‌های عظیمی را در اختیار این کشور قرار داده است، اما در عین حال به دلیل عدم

ثبات و ثبات در منطقه، ایران نیز مانند سایر کشورهای منطقه در معرض آسیب‌های جدی و ناگهانی قرار دارد. با توجه به موضوعات فوق و روابط تاریخی و مناسب ایران با دو کشور چین و پاکستان و روابط فرهنگی دو کشور، به نظر می‌رسد تقویت هر چه بیشتر روابط با این دو کشور و در عین حال تقویت هر چه بیشتر روابط با هند، علاوه بر کمک به تعادل بیشتر در منطقه، عاملی باشد که روابط چین و پاکستان را تا حد امکان کمتر از گذشته در سطح ایران و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی برای منطقه می‌کند. بدیهی است که به دلیل ماهیت هسته‌ای دو کشور چین و پاکستان، تیره شدن روابط کشورمان و این دو کشور تنها شرایط را برای ایران بدتر خواهد کرد و این هنر کارگزاران سیاست خارجی است که با برقراری نوعی موازنه منطقه‌ای که ایران در طول تاریخ دنبال کرده است، تلاش خواهند کرد بیشترین منافع را برای ایران در منطقه متلاطم جنوب غرب آسیا داشته باشند.

منابع

- حیران‌نیا، جواد (۱۴۰۲). مزایای اقتصادی بهبود رابطه ایران و عربستان، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۵۷۰۹، قابل‌دسترس در سایت: <https://donya-e-eqtesad.com>
- رحیمی، سید وحید (۱۴۰۰). همکاری‌های اقتصادی ایران و پاکستان در چارچوب کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC): چالش‌ها و فرصت‌ها. مطالعات شبه‌قاره، ۱۳(۴۷)، ۱۲۷-۱۵۰.
- روزنامه افغانستان (۱۳۹۵). موافقتنامه چابهار: از ایجاد فرصت جدید تا رقابت جدید در سطح منطقه، خبرگزاری جمهوری اسلامی. تلکس ویژه. مورخه ۱۳۹۵/۳/۵.
- سعیدی، گلناز (۱۳۹۹). تغییر استراتژی کلان چین به توسعه‌گرایی در سیاست خارجی (از ۱۹۷۹ تاکنون). مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC).
- سلطانی، علیرضا (۱۳۸۱). همکاری منطقه‌ای؛ توسعه‌ی بندر آزاد گوادر، تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- شفیعی، نوذر و فرجی نصیری، شهریار (۱۳۸۸). بندر گوادر کانال ورود چین به خلیج فارس. تهران، پژوهش حقوق عمومی، ۱۱(۲۷)، ۱۳۳-۱۶۰.
- شورای راهبردی روابط خارجی (۱۳۹۶). پاکستان و نگاه‌های بدبینانه و خوش‌بینانه به توسعه چابهار. شورای راهبردی روابط خارجی: https://www.scfr.ir?utm_source=chatgpt.com
- عابدینی، محمدرضا (۱۴۰۰). بررسی ظرفیت‌های بازارچه‌های مرزی ایران و پاکستان در توسعه تجارت دو جانبه. اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، ۲۸(۴)، ۹۹-۱۲۲.
- فرزین نیا، زیبا و ایاز، بهروز (۱۳۹۵). مناسبات راهبردی جدید چین و پاکستان و تأثیر آن بر نظم منطقه‌ای جنوب آسیا، سیاست خارجی، ۳۰(۴)، ۴۳-۶۴.
- فرهادی، زینب (۱۴۰۱). امکان سنجی انتقال انرژی از پاکستان به چین، اندیشکده دیپلماسی اقتصادی، بازیابی نشانی اینترنتی: <https://jaraian.com/1401/12041101>
- قادری حاجت، مصطفی؛ قهرمانی، محمدجواد و خوراسگانی، ابراهیم (۱۳۹۸). نقش کریدور اقتصادی چین-پاکستان از منظر جایگاه نوین چین در نظام بین‌الملل. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، ۴(۴)، ۳۹-۵۹.
- لفت ویچ، آدریان (۱۳۸۵). دولت‌های توسعه‌گرا پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، ترجمه جواد افشارکهن، مشهد: نشر مرندیز.

موتقی، سید احمد (۱۳۸۷). توسعه و سیاست خارجی توسعه‌گرا، در محمود واعظی و مسعود موسوی شفائی (گردآورنده)، مجموعه مقالات کنفرانس ملی سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک.

مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۹۴). راه‌آهن چابهار، فرصتی برای ترانزیت کالا به آسیای میانه و افغانستان، تهران. مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.

موسوی شفایی، مسعود (۱۳۹۴). نسل پنجم رهبران چین و ابتکار کمربند اقتصادی جاده ابریشم، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱(۱۷)، ۲۰۱-۲۲۲.

Blank, Stephen (2010). *Will China Join the Iran-Pakistan-India Pipeline?*, China Brief Volume: 10 Issue: 5, March 5, 2010, available at: <https://jamestown.org/program/will-china-join-the-iran-pakistan-india-pipeline>

Chaziza, Mordechai. (2016). China-Pakistan Relationship: A Game-changer for the Middle East?. *Contemporary Review of the Middle East*. 3. 10.1177/2347798916638209.

Chaziza, Mordechai. (2016). China-Pakistan Relationship: A Game-changer for the Middle East?. *Contemporary Review of the Middle East*. 3. 10.1177/2347798916638209.

China dominated Pakistan's FDI with \$432.7m in FY 2023. - Beijing Review. https://www.bjreview.com/Latest_Headlines/202307/t20230725_800337667.html

Fulton, Jonathan. (2016). AN ANALYSIS OF TWO CORRIDORS IN CHINA'S ONE BELT ONE ROAD INITIATIVE: CHINA-PAKISTAN AND CHINA CENTRAL-WEST ASIA.

Glaser, B. S. (2014, December 3). A U.S.-China relations update. Harvard University Asia Center.

Hamza R & Tridivesh S.M, (2016) "The China-Pakistan Economic Corridor: Strategic Rationales, External Perspectives and Challenges to Effective Implementation," The Stimson Center.

Hussain, M., & Mehmood, S. (2018). Chinese Soft Power Approaches towards Pakistan: An Analysis of Socio, Economic and Political Impacts. *Malaysian Journal of International Relations*, 6(1), 47-66. <https://doi.org/10.22452/mjir.vol6no1.5>

Iran Reiterates Desire to Join CPEC," CPEC Latest News, Pakistan China Institute (PCI), May 27, 2017, <http://www.cpecinfo.com/news/iran-reiterates-desire-to-join-cpec/MTA3OA>

Kataria, J.R., & Naveed, A. (2014). Pakistan-China social and economic relations. *South Asian Studies A Research Journal of South Asian Studies*, 29(2)

- Khetran, M. S. (2016). Economic Connectivity: Pakistan, China, West Asia and Central Asia. *Strategic Studies*, 36(4), 61–76.
<https://www.jstor.org/stable/48535974>
- Latif, A. (2019). The impact of US sanctions on Iran's economy: Challenges and opportunities. *Journal of Economic Studies*, 46(5), 1055-1075.
- Min-Xing, H., & Sayed, M. (2022). CHINA-PAKISTAN ECONOMIC CORRIDOR AND GEOSTRATEGIC DEVELOPMENT IN THE MIDDLE EAST. *Journal of Pakistan-China Studies (JPCS)*, 3(1), 37–52.
<https://doi.org/10.55733/jpcs.v3i1.50>
- Spohr, A. P., & Silva, A. L. R. da. (2017). Foreign policy's role in promoting development: The Brazilian and Turkish cases. *Contexto Internacional*, 39(1), 157–178. <https://doi.org/10.1590/S0102-8529.2017390100008>
- Zhu, N. H. a. H. Y. (2020, January 22). What CPEC means for China's Middle East relations. *The Diplomat*. <https://thediplomat.com/2020/01/what-cpec-means-for-chinas-middle-east-relations/>